

Analytical Scope of Ethical Research

Seyed Akbar hosaini Ghale Bahman¹

Abstract

The beginning of any research depends on knowing the place of that research in the system of human knowledge. In other words, the researcher needs to know in what field of sciences and knowledge the subject he / she is researching. Ethical research is no exception. The researcher of ethics, before doing anything in his research, recognizes his field of research and organizes his research path in that field. In this article, by analyzing the researches done in this field, the geography of ethical researches has been studied and while an analytical and explanatory effort of ethical researches has been made, it has introduced seven areas for these researches. The generalities of ethics, normative ethics, meta-ethics, descriptive ethics, ethical psychology, Moral education and sociology of ethics are these seven areas.

Keywords: General issues of ethics, normative ethics, meta-ethics, descriptive ethics, ethics psychology, ethical education and sociology of ethics.

1. Associate Professor, Department of Religions, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran.
Akbar.hosseini37@yahoo.com

گستره‌شناسی تحلیلی پژوهش‌های اخلاقی

سید اکبر حسینی قلعه‌بهمن*

چکیده

موفقیت در هر پژوهشی، در گرو دانستن جایگاه آن پژوهش در منظومه دانش بشر است؛ به این معنی که لازم است پژوهشگر بدانند موضوع تحقیقش در چه ساحتی از علوم و معارف قرار می‌گیرد. پژوهش‌های اخلاقی نیز از این قاعده مستثنا نیستند. محقق اخلاق، قبل از هر کاری باید به شناخت حوزه تحقیق خویش پردازد و مسیر تحقیق را در آن حوزه سامان بخشد. در این نوشتار، با تحلیل پژوهش‌های انجام گرفته در این حوزه، جغرافیای پژوهش‌های اخلاقی بررسی، و ضمن تحلیل و تبیین پژوهش‌های اخلاقی، هفت حوزه برای این پژوهش‌ها معرفی شده است. این هفت حوزه عبارت‌اند از: کلیات اخلاق، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، تربیت اخلاقی و جامعه‌شناسی اخلاق. یادآوری می‌شود این عرصه‌های هفت‌گانه، بر اساس پژوهش‌های موجود تعیین شده‌اند و ممکن است در آینده عرصه‌های دیگری نیز به این موارد افزوده شود.

* دانشیار گروه ادیان مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.



کلیدواژه‌ها

کلیات اخلاق، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، تربیت اخلاقی و جامعه‌شناسی اخلاق.

مقدمه

پژوهش‌های اخلاقی، عرصه گسترده‌ای از مباحث و موضوعات مختلف را در بر می‌گیرد که بدون واکاوی و شناسایی آن‌ها نمی‌توان به راحتی به دیدگاه‌های ناب و تأثیرگذار در این حوزه دست یافت؛ به همین دلیل است که گاهی پژوهشگران این حوزه، نکته‌ای را که به شاخه خاصی از مباحث پژوهش مربوط است، در عرصه دیگری وارد می‌کنند و نتیجه نادرستی می‌گیرند. در این نوشتار قصد داریم در نهایت اختصار، شاخه‌ها و عرصه‌های پژوهش‌های اخلاقی را به طور تحلیلی نشان دهیم. بدین منظور، پژوهش‌های اخلاقی را به طور استقرائی در این هفت شاخه قرار داده‌ایم: کلیات اخلاق، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، تربیت اخلاقی و جامعه‌شناسی اخلاق. البته روشن است که ممکن است در آینده به شمار این شاخه‌های پژوهشی افزوده شود.

۱. کلیات اخلاق

در این شاخه از پژوهش‌های اخلاقی، توجه اصلی به مباحثی است که لازم است یک محقق در عرصه اخلاق به آن‌ها توجه کند و تا حدودی نیز راجع به آن‌ها تصمیم بگیرد.

الف. اخلاق‌شناسی

در این فراز لازم است محقق، اطلاعات و مطالبی درباره پدیده اخلاق، علم اخلاق و حتی تربیت اخلاقی به دست آورد. در این بخش پژوهشگر باید به موضوعات زیر توجه کامل داشته باشد:



۱. تعریف پدیده اخلاق به منزله موضوعی که در عالم تحقق یافته است: علمای اخلاق در نخستین گام تلاش می کنند این پدیده را تعریف کنند؛ برای مثال، ابوعلی مسکویه رازی می نویسد:

«إِنَّ الْخُلُقَ حَالٌ لِلنَّفْسِ دَاعِيَةٌ لَهَا إِلَى أفعالِهَا مِنْ غَيْرِ فِكْرٍ وَلَا رَوِيَّةٍ...؛ خلق حالتی نفسانی است که آدمی را بدون فکر و تأمل به کارهایی برمی انگیزد (مسکویه رازی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۵). فیض کاشانی، پدیده اخلاق را این گونه تعریف می کند: «الْخُلُقُ عِبَارَةٌ عَنْ هَيْئَةٍ رَاسِخَةٍ فِي النَّفْسِ تَصْدُرُ عَنْهَا الْأَفْعَالُ بِسُهُولَةٍ وَ يَسْرٍ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَى فِكْرٍ وَ رَوِيَّةٍ؛ اخلاق عبارت است از ویژگی های پایدار در نفس که موجب می شود کارهایی متناسب با آن صفات به طور خودجوش و بدون نیاز به تفکر از انسان صادر شود» (فیض کاشانی، ۱۴۲۳ق، ج ۵: ص ۱۳).

علامه مجلسی در این باره می گوید: «الْخُلُقُ بِضَمِّ مَلِكَةٍ لِلنَّفْسِ يَصْدُرُ عَنْهَا الْفِعْلُ بِسُهُولَةٍ؛ اخلاق، صفات پایدار در نفس است که موجب می شود کارهایی به آسانی صادر شود» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷: ص ۳۷۲، باب ۵۹، ذیل حدیث ۱۸).

بستانی به نقل از عالمان اخلاق می نویسد: «الْخُلُقُ فِي عُرْفِ الْعُلَمَاءِ، مَلِكَةٌ تَصْدُرُ بِهَا النَّفْسُ مِنْ غَيْرِ تَقَدُّمِ فِكْرٍ وَ رَوِيَّةٍ وَ تَكَلُّفٍ؛ خلق در عرف دانشمندان، ملکه ای است که افعال نفس انسانی به واسطه برخورداری از آن به سهولت و بدون تفکر قبلی از انسان صادر می شود» (البستانی، بی تا، ص ۲۵۱). برنارد رولین، در کتاب «علم و اخلاق»، می گوید: «اخلاق مجموعه ای از اصول یا باورهاست که بینش ما را درباره درست و نادرست، خوب و بد، انصاف و بی انصافی، عدالت و بی عدالتی هدایت می کند» (رولین، ۱۳۹۳، ص ۳۵).

در جای دیگر نیز اخلاق این گونه تعریف شده است: «نظام اخلاقی، سامانه ای است که بر پیروان خود حاکم می شود و رفتار آنان را در روابط چهارگانه (رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) در جهتی خاص هدایت می کند و





سامان می‌دهد» (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۵). تمام این تلاش‌ها برای پرده‌برداری از پدیده‌ای به نام اخلاق است.

۲. علم اخلاق و شاخه‌های آن: دانش اخلاق در واقع مباحث و مطالب خود را بر مدار پدیده اخلاق سامان می‌دهد. علم اخلاق را می‌توان در یک مفهوم موسع شامل تمام پژوهش‌های اخلاقی‌ای دانست که در این نوشتار مدنظر قرار گرفته‌اند.

به دیگر سخن، علم اخلاق، با پژوهش‌های اخلاقی هم‌معناست. البته ممکن است در یک تعبیر مضیق، تنها آن را شامل بررسی اخلاق هنجاری و شاخه‌های آن در نظر گرفت و عالم اخلاقی به کسی اطلاق گردد که به پژوهش در اخلاق هنجاری مبادرت ورزد (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۲۵). در تفسیر سوم، عده‌ای علم اخلاق را هم شامل پژوهش در حوزه اخلاق هنجاری می‌دانند و هم شامل تربیت اخلاقی (مصباح یزدی، ۱۳۸۳، ج ۲: ص ۲۹-۳۰؛ همو، ۱۳۷۳، ص ۹). به هر تقدیر، تعریف علم اخلاق در پژوهش‌های اخلاقی، موضوعی بس اساسی و مهم تلقی می‌گردد.

۳. تاریخ اخلاق و تطورات علم اخلاق و چهره‌های بزرگ و تأثیرگذار در آن نیز در شاخه اخلاق‌شناسی پژوهش‌های اخلاقی از جایگاهی بس ارزشمند برخوردار است.

تلاش محققان در این زمینه در دوران‌های گوناگون، به خلق آثار ارزشمندی انجامیده است که توجه به آن‌ها موضوعی مهم و قابل تقدیر است؛ برای مثال، در بخش تاریخ اخلاق می‌توان در عالم اسلامی، آغاز اخلاق را به زمان حضرت آدم ع‌ا‌س منسوب کرد^۱ و در غرب و شرق عالم در این باره تاریخ خاصی را در نظر گرفت. در عرصه تطورات علم اخلاق نیز لازم است مراحل شکل‌گیری علم اخلاق در هر فرهنگ و جامعه‌ای بررسی و تحلیل شود. سیر اخلاق در عالم اسلام از اخلاق

۱. در عالم تشیع، می‌توان به کتاب «تأسیس الشیعة لعلوم الإسلام»، نوشته مرجع بزرگ دینی «علامه سید حسن صدر» (متوفی ۱۳۵۴ق) اشاره کرد. در فصل دوازدهم این کتاب، به علم اخلاق و نقش علمای شیعه در شکل‌گیری علم اخلاق پرداخته شده است.



نقلی به اخلاق عقلی فلسفی و سپس، به اخلاق عرفانی و در نهایت، به اخلاق تلفیقی، می‌تواند معیار خوبی برای بررسی این عرصه باشد.^۱ بررسی چهره‌های تأثیرگذار در حوزه اخلاق، چه در اخلاق اسلامی و دنیای اسلام و چه در خارج از عالم اسلامی نیز در زیرمجموعه این بخش از مباحث اخلاق‌شناسی قرار گرفته است.^۲ معرفی عالمان اخلاقی بزرگی همچون سقراط، افلاطون، ارسطو، خواجه نصیرالدین طوسی، مسکویه، نراقی، فیض کاشانی، مصباح یزدی، جوادی آملی، و... برای محققان این عرصه از جذابیت فراوانی برخوردار است.

۴. روش تحقیق در حوزه اخلاق نیز شاخه‌ای بسیار بااهمیت در اخلاق‌شناسی است. به روش و مسیر کاوش و کیفیت رسیدن به مقصد و مقصود تحقیق یا راه‌حل یک مسئله، روش تحقیق گفته می‌شود؛ به عبارت دیگر، روش‌شناسی تحقیق (Methodology) عبارت است از فرآیند دستیابی به دانش از طریق جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل آن‌ها به یافته‌ها.

روش‌شناسی، راهبرد کلی پژوهش است که راه و روشی را که پژوهش موردنظر باید طبق آن به انجام برسد، ترسیم می‌کند. روش‌شناسی، کیفیت به دست آمدن اطلاعات و ابزار جمع‌آوری آن‌ها را وصف می‌کند و البته گاهی هم وصف‌کننده چگونگی به دست آمدن نتیجه‌ای خاص است (Howell, 2013, p. 3).

اکنون در حوزه اخلاق نیز بحث درباره روش‌شناسی اخلاق و به تعبیر دیگر، منطق اخلاق، عرصه مهمی از اخلاق‌شناسی است. روش‌های نقلی، عقلی، شهودی و تلفیقی، در این حوزه قابل تأمل و بررسی است.

۱. مقاله «نگرشی به مراحل تطور علم اخلاق اسلامی»، اثر حسین روحانی‌نژاد (که در سال ۱۳۸۳ در شماره ۳۰ نشریه کتاب نقد چاپ شده است) نیز در این حوزه قابل اعتناست.

۲. تاریخ فلسفه اخلاق غرب، نوشته لارنس و شارلوت بکر، ترجمه گروهی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، از نمونه کتب تاریخ اخلاق در غرب است.



ب. تعریف مفاهیم کلیدی در اخلاق

پژوهشگر در این عرصه درصدد است مفاهیم کلیدی و اساسی مرتبط با علم اخلاق را تعریف کند تا در کاربرد آن‌ها ابهامی باقی نماند. این حوزه از مفهوم‌شناسی، دایره گسترده‌ای دارد که در این بخش به چند مفهوم کلیدی اشاره می‌کنیم:

۱. تکلیف و مسئولیت اخلاقی:

در این بخش، محقق ضمن تحقیقات خود، تکلیف اخلاقی را تعریف، شرایط آن را بررسی و در ادامه، مسئولیت اخلاقی را هم تبیین می‌کند؛ برای مثال، آیت‌الله مصباح یزدی در تعریف مسئولیت اخلاقی گفته است: «منظور از مسئولیت این است که شخصی در مقابل یک نیرویی یا در مقابل شخص دیگری موردبازخواست قرار گیرد... مسئول و سائل متضایف‌اند... با توجه به تفسیری که ما برای مفاهیم اخلاقی کردیم که قوام اخلاقی به امر و الزام و تکلیف و این‌ها نیست؛ واقعیاتی خارجی است، بنابراین مسئولیت هم که تابع امر و تکلیف است، نمی‌تواند جزو عناصر اخلاق قرار بگیرد» (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۷۶). عبدالرحمن بدوی در این باره آورده است: «المسئولية الأخلاقية: وتعلق بالأفعال التي يكون المرء فيها مسئولاً أمام ضميره، وأمام الله وتندرج فيها النوايا، أي الأفعال الباطنة» (بدوی، ۱۹۷۵، ص ۲۲۴).

به هر حال، موضوع تکلیف و مسئولیت اخلاقی، خارج از حوزه اخلاق هنجاری و در ناحیه کلیات اخلاق قرار می‌گیرد.

۲. عامل اخلاقی:

اینکه چه کسانی دارای تکلیف و مسئولیت اخلاقی هستند نیز در این عرصه قرار می‌گیرد. این بحث دارای دو حاشیه مهم است. آیا ذات باری تعالی و موجودات ماورایی دارای مسئولیت اخلاقی هستند یا خیر؟ و در سوی دیگر، آیا

موجودات مادون انسان (مانند حیوانات) در عرصه تکلیف اخلاقی واقع می‌شوند؟ همچنین، آیا موجودات غیرحیوانی (مانند ربات‌ها) وارد عرصه عامل اخلاقی می‌گردند؟

«عامل اخلاقی کسی است که با توجه به شرایطی، مسئولیت افعال خودش را به عهده دارد و طبق آن، مستحق مدح و ثواب و یا ذم و عقاب است. لذا عملی که عامل به اجبار انجام دهد، مسئولیتی در قبال آن ندارد؛ لکن او کماکان عامل اخلاقی است» (نوری کوهبنانی، ۱۳۹۸، ص ۹).

۳. شأن اخلاقی:

در این حوزه از مباحث اخلاقی باید به این نکته توجه داشت که چه موجوداتی برای عاملان اخلاقی ایجاد تکلیف اخلاقی می‌کنند و آیا عاملان اخلاقی در قبال آن‌ها تکلیف اخلاقی دارند و در پی آن، دارای مسئولیت اخلاقی هستند؟ علی‌پاکپور در تعریف شأن اخلاقی آورده است: «پرسش اصلی در مسئله شأن اخلاقی این است که چه موجوداتی و بر اساس چه معیاری واجد جایگاه اخلاقی‌اند. ورودکنندگان به این بحث، مسئله را این‌گونه مطرح کرده‌اند: آیا ما به‌عنوان فاعل‌های اخلاقی نسبت به دیگران وظایفی داریم و دیگران نیز از این حقوقی دارند؟...» (پاکپور، ۱۳۹۱، ص ۷).

۴. ضعف اخلاقی:

یکی از مفاهیم مهم در کلیات اخلاق، مفهوم شرارت یا ضعف اخلاقی است. در ذیل این مفهوم، به این موضوع پرداخته می‌شود که چرا و به چه دلیل آدمی با علم به درست بودن رفتاری، آن را انجام نمی‌دهد یا با آگاهی از بدی و خطا بودن یک رفتار، آن را مرتکب می‌شود (برای مطالعه بیشتر ر.ک: علیزاده، ۱۳۹۵، ص ۶۵-۸۴). البته روشن است که تحلیل ادله ضعف اخلاقی در روان‌شناسی اخلاق یا



جامعه‌شناسی اخلاق مطرح می‌گردد، اما مفهوم‌شناسی ضعف اخلاقی در این جایگاه بررسی می‌شود.

۵. نظام اخلاقی:

در تعریف نظام اخلاقی، همان گونه که پیش‌تر نیز اشاره شد، می‌توان گفت اخلاق سامانه‌ای است که بر پیروان خود حاکم می‌شود و اوصاف اختیاری، وضعیت‌ها و رفتارهای آن‌ها را با توجه به روابط چهارگانه‌شان (رابطه با خدا، دیگران، خود و طبیعت)، در جهتی خاص سامان می‌بخشد. این سامانه، دست‌کم دارای شش عنصر است که باید به آن‌ها توجه کافی کرد: نظریه ارزش اخلاقی؛ توجیه هدف اخلاق و به عبارت بهتر، هدف اخلاقی‌بودن؛ اصول‌مبنایی و اصلی اخلاق؛ قواعد استتاجی و اشتقاقی؛ بیان عوامل انگیزشی و محرک به‌سوی عمل به احکام اخلاقی؛ بیان ضمانت اجرای احکام اخلاقی (جرایمی که برای شکنندگان احکام اخلاقی در نظر گرفته می‌شود) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳-۱۳۰).

مفاهیمی همچون حکم اخلاقی، قضاوت اخلاقی، گزاره اخلاقی، مفاهیم اخلاقی، قاعده اخلاقی، اصل اخلاقی، منشور اخلاقی، پیوست اخلاقی و... نیز در این بخش و در ذیل تعریف مفاهیم پژوهش‌های اخلاقی قرار می‌گیرند که در این قسمت به دلیل رعایت اختصار از پرداختن به آن‌ها خودداری می‌کنیم.

ج. ارتباط اخلاق با دیگر عرصه‌ها

اخلاق، به‌مثابه یک پدیده حاکم بر زندگی انسان‌ها، با دیگر پدیده‌های مرتبط با حیات وی پیوند دارد. دین، اقتصاد، سیاست، حقوق، تعلیم و تربیت و... موارد و پدیده‌های مختلف حاکم بر زندگی انسان هستند که با پدیده اخلاق در ارتباطی وثیق و عمیق قرار گرفته‌اند.



رابطه اخلاق با دین، بیشتر بر این محور قرار گرفته است که آیا اساساً بدون در نظر گرفتن اخلاق و نظام اخلاقی، یک دین می‌تواند کامل و کارآمد باشد و دیگر اینکه آیا نظام اخلاقی، بدون بهره‌گیری از آموزه‌های دین، مخصوصاً اعتقادی و فقهی، می‌تواند نظامی کارآمد و قابل‌اتکا باشد؟ این موضوع جدال‌های زیادی را در دوران معاصر در پی داشته و بر این اساس، دو شکل اخلاق دینی و سکولار ایجاد شده است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: شانظری، ۱۳۹۱، ص ۱۱-۳۰).

پرسش اصلی درباره رابطه اقتصاد و اخلاق این است که آیا میان یک نظام اخلاقی موجه و صحیح با نظام اقتصادی، ارتباط مثبتی برقرار است یا اساساً در نظام اقتصادی، جایگاهی برای اخلاق در نظر گرفته نشده است؟ اقتصادی که بر اساس آموزه‌های مادی گرایانه شکل گرفته است، به‌طور قطع با نظام اخلاقی‌ای که بر محور تقرب انسان به خدا و رسیدن به سعادت و کمال انسان شکل گرفته است، نمی‌تواند سازگار باشد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۸).

رابطه اخلاق و سیاست نیز موضوعی بس جدی و قابل‌تأمل است. آیا لازم است سیاست - چه به معنای نظام سیاسی و چه به معنای راهکارهای اداره حکومت - با یک نظام اخلاقی موجه و معتبر هم‌خوان باشد و رابطه مثبتی با آن برقرار سازد؟ دیدگاه‌های گوناگونی در این زمینه مطرح شده است که در فرصت و مجال خود قابل‌بررسی است (برای مطالعه بیشتر ر.ک: اسلامی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۷-۱۶۵).

رابطه اخلاق و حقوق، در گذشته بیشتر ناظر به مباحث اخلاقی بودن حقوق بود، اما در دهه‌های اخیر، موضوع حمایت حقوق از اخلاق نیز مدنظر قرار گرفته است و نظریه ارزش مبتنی بر حقوق نیز برای خود جایگاهی اساسی به دست آورده است. امروزه از یک سو، سخن از اخلاقی بودن قوانین و قواعد حقوقی است و از سوی دیگر، سخن از مطابقت حقوق با اخلاق و اصول و قواعد اخلاقی است. به هر حال،



موضوع رابطه حقوق و اخلاق در ذیل محور سوم کلیات اخلاق قابل طرح و بررسی است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳-۱۳۰).

رابطه تربیت و اخلاق نیز از جمله موضوعاتی است که در این بخش از پژوهش‌های اخلاقی مورد نظر قرار می‌گیرد. تربیت (به منزله یک فرایند و سیوروت)، با نظام اخلاقی (به مثابه نیروی حاکم بر وجود انسان) در داد و ستدی مثال‌زدنی قرار دارد. پژوهشگر در این ساحت باید این داد و ستد را تبیین کند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: نوذری، ۱۳۷۴، ص ۱۳۵-۱۵۳).

تا اینجا، درباره اولین ساحت پژوهش‌های اخلاقی به اختصار بررسی کردیم. در ادامه، به تبیین دومین ساحت که اخلاق هنجاری است، می‌پردازیم.

۲. اخلاق هنجاری

اخلاق هنجاری، در مقام ارائه، بیان و دفاع از نظام اخلاقی یک قوم، دین، فرهنگ و گروهی خاص است (ویلیامز، ۱۳۸۳، ص ۱۶-۱۷). ترسیم نظام اخلاقی و دفاع از آن در برابر تهاجمات وارد شده، وظیفه‌ای بس دشوار است که اندیشمندان عرصه اخلاق هنجاری، متکفل آن شده‌اند. اخلاق هنجاری، غایت تلاش مجتهدان اخلاق در چهار گوشه عالم است. در قسمت قبل، به ارکان و عناصر یک نظام اخلاقی اشاره کردیم که عبارت بودند از:

۱. بیان نظریه ارزش اخلاقی؛
۲. بیان هدف اخلاق و به عبارتی بهتر، هدف اخلاقی بودن؛
۳. بیان اصول مبنایی و اصلی اخلاق؛
۴. بیان اصول استنتاجی و اشتقاقی؛
۵. بیان عوامل انگیزشی و محرک عمل به احکام اخلاقی؛
۶. بیان ضمانت اجرای احکام اخلاقی (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳-۱۳۰).



به اخلاق هنجاری، «اخلاق درجه اول» نیز اطلاق می‌شود؛ چراکه هدف اصلی پژوهش‌های اخلاق، پرداختن به این عرصه است و البته بیان مستقیم احکام اخلاقی رفتارها، اوصاف اختیاری و حالات و وضعیت‌های اختیاری آدمیان. اساساً هر جامعه مدعی فرهنگ و تمدن، داشتن نظام اخلاقی را جزو ارکان و عناصر فرهنگ و تمدن خویش می‌داند و بر محور آن مباحثات فراوانی انجام می‌دهد. فقدان نظام اخلاقی موجه و معقول، ضعف جبران‌ناپذیری در این راه است.

از میان عناصر و ارکان یک نظام اخلاقی، بی‌تردید مهم‌ترین شاخه، مباحث مربوط به نظریه ارزش (Theory of value) است. نظریه ارزش اخلاقی، در حقیقت، در مقام بیان ملاک و میزان و مقیاس برای تعیین صحت و سقم یا بایستگی و نبایستگی‌های اخلاقی در درون یک نظام اخلاقی است. نظریه ارزش همانند ترازویی عمل می‌کند که اصول و قواعد اخلاقی را در وهله نخست ارائه می‌دهد و در ادامه نیز صحت و سقم رفتارها، اوصاف و وضعیت‌های اختیاری را مشخص می‌کند. تاکنون چهار گروه از نظریات ارزش‌شناسایی شده‌اند که در این مرحله، به نام‌بردن از آن‌ها اکتفا می‌کنیم: نظریات غایت‌گرا (Teleological Ethics)، نظریات فضیلت‌محور (Virtue Ethics)، نظریات وظیفه‌گرا (Deontological Ethics) و نظریات حق‌محور (Right based Ethics) (ر.ک: همان، ص ۱۱۸-۱۲۱).

اخلاق هنجاری عمومی و کاربردی

اخلاق هنجاری یا بیانگر اخلاق عمومی است یا ارائه‌کننده اخلاق کاربردی (Applied Ethics)؛ توضیح اینکه بیان و استخراج نظام اخلاقی، گاه عموم مردم یک قوم، دین یا فرهنگ را مدنظر قرار می‌دهد و برای آن‌ها نظام ارائه می‌کند که همان اخلاق عمومی (Public Ethics) است و برای تمام افراد جریان دارد. البته گاهی اخلاق و نظام اخلاقی چنین هدف بزرگی را در نظر نمی‌گیرد. در این حالت،



برای گروه خاصی از یک قوم، دین و فرهنگ، اقدام به تهیه و تدارک نظام اخلاقی می‌کند که برای این نوع از اخلاق هنجاری، از عنوان اخلاق حرفه‌ای (Professional Ethics) استفاده می‌کنند؛ برای مثال، اخلاق ورزش کاری، اخلاق خبرنگاری، اخلاق پزشکی و پرستاری و...

همچنین، گاهی محقق اخلاق و اخلاق‌پژوه در اخلاق هنجاری و در حوزه اخلاق کاربردی، به جای اینکه به تمام مسائل اخلاقی در یک نظام اخلاقی کامل، نظر داشته باشد، به گروه خاصی از مسائل اخلاقی که ابهام و پیچیدگی بیشتری دارند، می‌پردازد و ضمن بیان دشواری‌ها و مسائل مطرح، احکام اخلاقی را در آن موارد به دست می‌آورد. به این نوع از کاوش‌های اخلاقی، اخلاق مسئله‌محور می‌گویند. اخلاق مسئله‌محور، دست کم سه شاخه از پژوهش‌ها را در ذیل خود قرار می‌دهد:

الف. مسائل اخلاقی نوپدید که به واسطه پیشرفت‌های شگرف دهه‌های اخیر برای انسان به وجود آمده است؛ مانند مباحث در حوزه زیست‌فناوری و درمان ناباروی؛ موضوعات اخلاقی در عرصه فضای مجازی؛ مباحث پیش آمده در زمینه تحقیقات ژنتیک و اصلاح نژاد؛ مسائل اخلاقی شبیه‌سازی و مباحثی از این قبیل.

ب. مسائل اخلاقی کهنی که از دیرباز دیدگاه‌های مختلفی درباره آن‌ها وجود داشته است؛ همانند حکم اخلاقی سقط جنین، آسان‌مرگی، نژادپرستی، تبعیض جنسیتی یا مسائل حوزه اخلاق محیط‌زیست و امثال آن.

ج. تبیین حکم اخلاقی دو یا چند راهه‌های اخلاق و به تعبیری، ارائه راه‌حل مسائل اخلاقی موجود در زندگی انسان؛ برای مثال، قتل تعداد معدودی انسان برای نجات جان انسان‌های بیشتر، قتل گروگان برای دستگیری گروگان‌گیر و... مسائل مطرح شده در این عرصه، یا مسئله‌ای است میان یک حکم اخلاقی و یک حکم خارج از عرصه اخلاق (مثل یک حکم اقتصادی یا حقوقی و یا حتی فقهی) یا مسئله‌ای است میان دو حکم اخلاقی.



۳. فرااخلاق

مطالعات و بررسی‌های تحلیلی و فلسفی درباره حقایق، مفاهیم، احکام و گزاره‌های اخلاقی را در اصطلاح، «فرااخلاق» (Meta Ethics) گویند. این بخش از مطالعات اخلاقی، در واقع، انجام نوعی فعالیت فلسفی در عرصه اخلاق است. به تعبیر روشن‌تر، هر گونه فعالیت و بررسی فلسفی که در عرصه‌های گوناگون مطرح می‌گردد، در این عرصه نیز یافت می‌شود.

بر این اساس، در فرااخلاق؛ شاخه‌های گوناگون فلسفی خودشان را نشان می‌دهند و به تناسب موضوع مباحثی را مطرح می‌کنند. اندیشمندان، مباحث فلسفی را در شاخه‌های هستی‌شناسی (Ontology)، معرفت‌شناسی (Epistemology)، معناشناسی (Semantics) و ارزش‌شناسی (Axiology) سامان داده‌اند. پس، در فرااخلاق دست کم با مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و معناشناختی مواجهیم.

در فرااخلاق، مباحث در دو شاخه حقایق و مفاهیم، و احکام و گزاره‌ها ارائه می‌شوند. در ناحیه حقایق و مفاهیم، مباحث هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، معناشناختی و منطقی مطرح می‌شوند و در بخش احکام و گزاره‌ها، مباحث معرفت‌شناختی، معناشناختی و منطقی.

مباحث فرااخلاقی در ناحیه حقایق و مفاهیم اخلاقی

هستی‌شناسی حقایق اخلاقی، معرفت‌شناسی حقایق اخلاقی، معناشناسی مفاهیم اخلاقی و منطق مفاهیم اخلاقی از مهم‌ترین مباحث در حوزه فرااخلاق شاخه حقایق و مفاهیم است. در این شاخه، بسیاری از مباحث اساسی فرااخلاقی واقع شده است؛ برای مثال، آیا در عالم خوبی و بدی وجود دارد یا خیر و اگر وجود دارد، کیفیت وجود آن چیست؟ آیا امیال، احساسات و خواست‌های ما مستقل از ماست یا خیر؟ (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۸۳). هدف اندیشمندان



عالم، چه مسلمان^۱ چه غیرمسلمان^۲، از تلاش برای تبیین وجود حقایق اخلاقی، تحقق این موضوع است.

سنخ‌شناسی مفاهیم اخلاقی و قابلیت تعریف این مفاهیم نیز در شاخه معنانشناسی مفاهیم اخلاقی بررسی می‌شود؛ برای مثال، آیت‌الله مصباح یزدی، مفاهیم اخلاقی را از سنخ معقولات ثانیه فلسفی می‌داند که از ملاحظه رابطه میان افعال و اوصاف اختیاری ما از یک سو و هدف زندگی و مقصد اخلاق، در ذهن انتزاع می‌شود و از آن رابطه مثبت یا منفی خبر می‌دهد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۹).

اخلاق در عرصه منطق حقایق و مفاهیم، اولاً، به ارتباط میان حقایق اخلاقی را با حقایق خارج از حوزه اخلاق بررسی می‌کند (بحث معروف رابطه هست‌ها و باید‌ها) (جوادی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲) و ثانیاً، به ارتباط مفاهیم اخلاقی با مفاهیم خارج از حوزه اخلاق می‌پردازد (موضوع تعریف مفاهیم اخلاقی با مفاهیم خارج از حوزه اخلاق) (برای مطالعه بیشتر ر.ک: هولمز، ۱۳۸۲، ص ۳۵۸). البته در ادامه، به ارتباط میان خود مفاهیم اخلاقی با یکدیگر می‌پردازد و قابل‌ارجاع بودن یا نبودن مفاهیم به یکدیگر را بررسی می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۵۶).

مباحث فرااخلاقی در ناحیه گزاره‌های اخلاقی

در بخش گزاره‌های اخلاقی، سه عرصه پژوهشی خودنمایی می‌کند: معرفت‌شناسی احکام و گزاره‌های اخلاقی، معنانشناسی گزاره‌های اخلاقی و منطق احکام و گزاره‌های اخلاقی.

۱. شهید مرتضی مطهری، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله مهدی حائری و آیت‌الله صادق لاریجانی، عالمانی هستند که در آثار فلسفه اخلاقی خویش درباره هستی‌شناسی حقایق اخلاقی سخن گفته و برای تبیین این حقایق نظریه پردازی کرده‌اند.

۲. جان مک‌داول و دیوید برینک و بسیاری دیگر از اندیشمندان فلسفه اخلاق غرب، نظریاتی در این زمینه ارائه کرده‌اند (برای مطالعه بیشتر ر.ک: حسینی قلعه‌بهن، ۱۳۸۳).



معرفت‌شناسی احکام و گزاره‌های اخلاقی

دقیقاً همان مباحثی که در معرفت‌شناسی عام مدنظر قرار گرفته، در این حوزه خاص نیز مورد توجه است. معرفت‌شناسی، دانشی است که به پژوهش راجع به شناخت و معرفت آدمی می‌پردازد و خود معرفت و آگاهی را تحلیل می‌کند. در این شاخه از مباحث فلسفی، به امکان معرفت، اقسام، ابزار و منابع آن و صدق و توجیه و اعتبار آن توجه می‌شود (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۸۳، ص ۲۴).

معرفت‌شناسی احکام و گزاره‌های اخلاقی، به موضوعات مختلفی از قبیل امکان معرفت به احکام اخلاقی، ابزار درک و شناخت احکام اخلاقی، منابع نیل به احکام اخلاقی، صدق گزاره‌های اخلاقی، توجیه احکام و گزاره‌های اخلاقی، سنخ‌شناسی گزاره‌های اخلاقی، حجیت و اعتبار معرفت به احکام و گزاره‌های اخلاقی می‌پردازد و البته ارتباط این احکام و گزاره‌ها با دیگر احکام و گزاره‌ها نیز در این شاخه قرار می‌گیرد (همان، ص ۱۹).

معناشناسی گزاره‌های اخلاقی

در معناشناسی گزاره‌های اخلاقی، چند گروه از مباحث مدنظر قرار می‌گیرند که در ادامه به اختصار درباره آن‌ها سخن می‌گوییم:

الف. معناداری یا بی‌معنایی گزاره‌های اخلاقی بر اساس مبنای پوزیتیویستی (وارنوک، ۱۳۸۰، ص ۱۰۷)؛ این مکتب فلسفی بر آن است که وقتی قابلیت صدق و کذب در گزاره‌ها مطرح می‌گردد که پیش از هر چیز معنادار باشند. معناداری نیز با دو ملاک شکل می‌گیرد؛ اول اینکه گزاره تحلیلی باشد و دوم اینکه قابلیت مشاهده داشته باشد. با این معیارها، گزاره‌های اخلاقی بی‌معنا می‌شوند (همان، ص ۱۰۴).

البته در این مباحث، عده‌ای تابع دیدگاه پوزیتیویست‌ها شدند و گزاره‌های اخلاقی را بی‌معنا دانستند و به دیدگاه‌هایی همچون امرگرایی (جوادی، ۱۳۷۵،





ص ۵۷) و احساس گرایی (بکر و بکر، ۱۳۷۸، ص ۲۱۲) سوق پیدا کردند. در مقابل، عده‌ای تلاش کردند گزاره‌های اخلاقی را معنادار تفسیر کنند. گروه دیگر هم اغلب با بحث معناداری مشکل پیدا کردند و ملاک معناداری و بی‌معنایی را از اساس نپذیرفتند (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۴۸).

ب. معناداری از حیث حقیقی یا اعتباری بودن گزاره‌های اخلاقی؛ در این ساحت از مباحث، در واقع سخن از سنخ گزاره‌های اخلاقی است. آیا این گزاره‌ها از واقعیتی بیرونی خبر می‌دهند یا بیانگر یک قرارداد (داروال و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۶۱) یا یک اعتبارند؟ (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۱۳: ص ۷۱۷) این موضوع نیز محور مباحثات فراوانی شده که تا امروز هم از جذابیت خاصی برخوردار است.

منطق احکام و گزاره‌های اخلاقی

در این ساحت از پژوهش‌های اخلاقی، موضوعات مختلف منطقی مورد نظر قرار می‌گیرند که در ادامه به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف. استدلال‌پذیری و برهان‌پذیری احکام و گزاره‌های اخلاقی؛ در این بخش، سؤال این است که آیا می‌توان برای به‌دست آوردن یک حکم اخلاقی مسیری منطقی را طی کرد و با استدلال، به شکل خاص خود، به آن حکم و گزاره اخلاقی رسید؟ (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳-۳۴)

اگر استدلال در رسیدن به احکام اخلاقی راه دارد، چه نوع استدلالی است؟ استقرایی، قیاسی یا موازنه متفکرانه؟ (مدنی، ۱۳۹۵، ص ۱۱-۲۵) آیا اساساً می‌توان برای به‌دست آوردن یا اثبات احکام و گزاره‌های اخلاقی، اقامه برهان کرد؟ (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۱۴۴) در این عرصه از پژوهش‌های اخلاقی، این‌گونه پرسش‌ها مورد نظر است.

ب. تحلیل و بررسی فرایند استدلال اخلاقی؛ در این حوزه پژوهش اخلاقی، سخن از بررسی یک استدلال اخلاقی است. در این قسمت، پژوهشگر به سراغ این

موضوع می‌رود که اولاً، استدلال اخلاقی چیست؟ ثانیاً، ماده و صورت این استدلال چگونه است؟ (برای مطالعه بیشتر ر.ک: مک‌ناوتن، ۱۳۸۰، ص ۳۰۳)، ثالثاً، نوع این استدلال کدام است؟ و رابعاً، استدلال اخلاقی چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی با استدلال در دیگر عرصه‌ها دارد (اتکینسون، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱).

ج. ارتباط قضایا و گزاره‌های اخلاقی با گزاره‌های خارج از حوزه اخلاق نیز موضوعی است که در این ناحیه از مباحث بررسی می‌شود. به دیگر سخن، امکان اثبات گزاره‌های اخلاقی با بهره‌گیری از گزاره‌های خارج از حوزه اخلاق، موضوعی است که توجه بسیاری از افراد را در منطق احکام و گزاره‌های اخلاقی به خود جلب کرده است.

آنچه گذشت اجمالی بود از بعضی از مسائل فرااخلاق؛ اما سؤال مهمی که در این فراز خوب است بدان توجه شود این است که با وجود دشواری‌ها، دیدگاه‌های مختلفی در عرصه فرااخلاق وجود دارد؛ چرا باید به سوی مباحث فرااخلاقی رفت و درباره آن‌ها تحقیق و پژوهش کرد؟ در ادامه، به اجمال درباره این مسئله سخن می‌گوییم:

اهمیت و ضرورت مباحث فرااخلاقی در آن است که با تحلیل درست حقایق اخلاقی و بررسی ماهیت آن‌ها به نقطه‌ای خواهیم رسید که می‌توانیم نظام اخلاقی تمام‌عیاری را طراحی کنیم.

چراکه با فرض وجود حقایق اخلاقی، نظریه ارزش به یک شکل عرضه می‌شود و با فرض نبودن آن به شکلی دیگر؛ با عینیت آن حقایق، ارزش‌های اخلاقی به گونه‌ای خاص مورد توجه قرار می‌گیرند و با فرض وابستگی آن‌ها به انسان به شکلی دیگر. اگر برای حقایق اخلاقی، وجودی خاص و مستقل از انسان‌ها در نظر نگیریم، در دام نسبی‌گرایی اخلاقی می‌افتیم و تلاش برای ترسیم آن نظام بی‌فایده می‌شود؛ در نتیجه، انسان از داشتن نظام اخلاقی‌ای که وی را به سرمنزل مقصود برساند، محروم می‌ماند.



اگر امکان معرفت اخلاقی در فرااخلاق تحلیل نگردد و راه رسیدن به آن معارف نشان داده نشود، مشکلی جدی در اخلاق هنجاری برای به دست آوردن احکام اخلاقی پیش خواهد آمد.

اگر در فرااخلاق به مباحث صدق و توجیه نظر نشود و دیدگاه درستی درباره آن‌ها مطرح نشود، چگونه می‌توان صدق احکام اخلاقی را نشان داد و برای آن صدق دلیل اقامه کرد؟

اگر معانی مفاهیم اخلاقی در فرااخلاق به دست نیاید، چگونه می‌توانیم از آن‌ها در گزاره‌های اخلاقی بهره ببریم؟ وقتی نمی‌دانیم خوب چیست و بد چیست، چطور می‌توانیم افعال و اوصاف اختیاری را به خوبی و بدی متصف کنیم؟ خلاصه اینکه بدون داشتن دیدگاه‌های مناسب در فرااخلاق نمی‌توانیم در اخلاق هنجاری به جایی برسیم و برای شکل دادن یک نظام اخلاقی اقدام کنیم.

فلسفه اخلاق

در پژوهش‌های اخلاقی، با اصطلاح مشهوری «فلسفه اخلاق» (Ethics) مواجه می‌شویم. این اصطلاح، در عین حالی که مشهور است، از نظر دایره و وسعت مباحثش ابهام دارد. ابهام در این عرصه را با چند پرسش نشان می‌دهیم؛ آیا فلسفه اخلاق شامل هر نوع مطالعه‌ای در باب اخلاق (اعم از توصیفی، هنجاری و تحلیلی) می‌شود یا منحصر به مطالعات هنجاری و تحلیلی است و یا عنوان دیگری برای فرااخلاق است؟

بعضی از اندیشمندان و فیلسوفان اخلاق معتقدند فلسفه اخلاق به‌نحوی شامل اخلاق توصیفی، هنجاری و فرااخلاقی می‌شود. شاید بتوان برای این ادعا استدلال کرد که آثار همه عالمان اخلاق، پیش از قرن بیستم، ترکیبی از اخلاق توصیفی، هنجاری و پاره‌ای از مسائل فرااخلاق است. بدین دلیل، فلسفه اخلاق، عنوانی است برای اصل پژوهش‌های اخلاقی؛ اما روشن است که عنوان پژوهش‌های اخلاقی بر



این معنا دلالت می‌کند و لازم نیست عنوان جدیدی در این باره به کار ببریم؛ علاوه بر این، عرف علما و اندیشمندان در این زمینه بر تحلیلی بودن مباحث قرار گرفته و تحقیقات توصیفی و هنجاری دربارهٔ صدور احکام اخلاقی خاص را شامل نمی‌شود. اکنون اگر فلسفه اخلاق را تحقیق و پژوهش فلسفی و عقلی دربارهٔ مسائل و احکام اخلاقی بدانیم، اخلاق توصیفی از حیطة فلسفه اخلاق خارج می‌گردد؛ چراکه در اخلاق توصیفی جای بحث فلسفی و عقلی نیست. اگر همین ملاک و معیار را توسعه دهیم، بسیاری از مباحث اخلاق هنجاری نیز دارای این بعد تحلیلی نیستند و از دایرهٔ موضوع خارج می‌شوند.

شماری دیگر از فیلسوفان اخلاق، به‌ویژه فیلسوفان تحلیلی، معتقدند حوزهٔ فلسفه اخلاق در مباحث فرااخلاق منحصر است. این گروه، از میان مباحث متفاوت فرااخلاق، یعنی مباحث هستی‌شناختی، معناشناختی، معرفت‌شناختی و منطقی، بیشتر به جنبهٔ معناشناختی می‌پردازند؛ زیرا معتقدند مسائل فلسفی تنها از طریق تحلیل زبان و آشکار کردن معنای کلمات حل می‌شود (برای مطالعهٔ بیشتر ر.ک: فرانکنا، ۱۳۷۶، ص ۲۷).

در یک تحلیل نهایی می‌توان فلسفه اخلاق را شامل مباحث فرااخلاقی دانست و البته از اخلاق هنجاری نیز آن مقداری که تحلیلی‌تر و فلسفی‌تر است (مثل بیان نظریهٔ ارزش) هم در آن قرار می‌گیرد. بدیهی است مرزبندی مباحث در فلسفه اخلاق، تابع قراردادهای و رویه‌های عالمان اخلاق است و شاید در آینده نظریات دیگری غلبه پیدا کنند.

۴. اخلاق توصیفی

مقصود از اخلاق توصیفی (Descriptiv Ethics)، مطالعه و پژوهش دربارهٔ توصیف و تبیین اخلاق و نظام اخلاقی افراد اقوام، ملل، فرهنگ‌ها، ادیان یا جوامع گوناگون است. در این نوع پژوهش اخلاقی، هدف صرفاً گزارش این موضوع مهم است.





گزارش اخلاقی که از فرد یا جامعه یا یک دین و مذهب داده می‌شود، به اخلاق توصیفی تعبیر می‌گردد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۱۸-۱۹).

پس، موضوع پژوهش توصیفی، اخلاقیات و نظام اخلاقی فرد یا گروه خاصی است و روش پژوهش هم تجربی و نقلی است، نه استدلالی و عقلی. همچنین، هدف از این گونه مباحث، در گام نخست، آشنایی با نوع رفتار و اخلاق فرد یا جامعه‌ای خاص است و در گام بعدی، ارائه تصویری دقیق از نظام اخلاقی حاکم بر آنهاست. در این نوع پژوهش، هدف این نیست که افراد و جوامع را به اخلاقیات و رعایت اخلاقیات ترغیب کند یا آنها را از عمل به امور ضد اخلاقی منع کند، بلکه کار محقق فقط توصیف است.

به دیگر سخن، در مباحث اخلاق توصیفی از خوب یا بد بودن رفتار انسان‌ها سخن به میان نمی‌آید و درباره رفتار آنان و حتی نظام اخلاقی و احکام اخلاقی مورد پذیرش آنان ارزش داوری نمی‌شود. این نوع مطالعات در حوزه فعالیت‌های روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان مطرح است. مطالعات و پژوهش‌هایی که درباره رفتار قبایل و اقوام بدوی صورت گرفته است، به قلمرو اخلاق توصیفی مربوط است.

در عرصه اخلاق توصیفی، گاه محقق صرفاً اخلاقیات یک گروه و قوم و فرهنگ را بررسی می‌کند و گاهی نیز این تحقیق را به شکل مقایسه‌ای و تطبیقی ارائه می‌دهد و شباهت‌ها و تفاوت‌های میان دو یا چند نظام اخلاقی را بیان می‌کند. در تحقیق مقایسه‌ای ضروری است قبل از ورود به مباحث، محورهای گزینش شوند و بر طبق آن محورها، تطبیق و مقایسه انجام گیرد. شاید موضوع عناصر نظام اخلاقی که پیش‌تر به آن اشاره شد، به همراه بعضی از اصول مهم اخلاقی در این مسیر کمک زیادی برساند.

اما مطالعه اخلاق توصیفی چه فایده‌ای دارد؟ تعامل با مردمان دیگر فرهنگ‌ها و اقوام و ملل، در نخستین گام، نیازمند آشنایی با اخلاقیات و سبک زندگی آنان است.

ندانستن این موضوع مهم، موجب اختلافات و سوء تفاهات بسیاری می‌گردد که گاه نتایج و پیامدهای پرهزینه و اسف‌باری دارد. چه بسا جنگ‌ها و خونریزی‌های گسترده‌ای که به دلیل ندانستن آداب و رسوم و اخلاقیات اقوام مختلف روی داده و ثروت‌های مادی و معنوی جوامع به نابودی کشیده شده است.

در مقابل، گاه مشکلات بزرگی به دلیل دانستن اخلاقیات یک جامعه، گروه و یا پیروان یک دین به راحتی رفع شده و بحرانی پیچیده به سادگی برطرف شده است. همچنین، دانستن اخلاقیات جوامع دیگر، امکان نقد و بازسازی نظام اخلاقی خودمان را هم فراهم می‌کند. به تعبیر دیگر، مقایسه نظام‌های اخلاقی گوناگون، نقاط قوت و ضعف آن‌ها را نمایان می‌کند و مجتهدان اخلاقی، با ملاحظه این امور، بهتر می‌توانند به ترسیم نظام اخلاقی موجه و معقول و مقبول اقدام کنند.

مسئله‌ای که ما معتقدیم اخلاق دینی بر اخلاق سکولار برتری دارد و اخلاق اسلامی بر سایر نظام‌های مشابه تفوق دارد، باید در عالم واقع این نکته نشان را نشان دهیم؛ برای تحقق این هدف، اخلاق توصیفی - آن هم به شکل تطبیقی - کارآمد است.

در نهایت، مبحث نسبییت اخلاقی، تکیه‌گاه اصلی خود را بر وجود اختلافات بنیادین در میان نظام‌های اخلاقی قرار داده است که باید در اخلاق توصیفی بررسی شود.

۵. روان‌شناسی اخلاق

روان‌شناسی اخلاق (Moral Psychology)، حلقه اتصال دو حوزه بسیار مهم در ساحت اندیشه بشری است؛ از یک سو، به مباحث اخلاقی می‌پردازد و از دیگر سو، وارد حوزه روان‌شناسی می‌گردد. با این تحلیل، روان‌شناسی اخلاق، امروزه در زمره جذاب‌ترین عرصه‌های فعالیت بین رشته‌ای در روان‌شناسی و اخلاق است که در





بیست سال اخیر مباحث آن با سرعت زیادی گسترده شده و افراد زیادی را به سوی خود کشیده است. در این شاخه از پژوهش‌های اخلاقی، مباحث و تحقیقات اخلاقی رنگ و بوی روان‌شناختی دارد و با ارائه تحلیل‌های روان‌شناسانه، راه را بر دانستن بیشتر راجع به اخلاق باز می‌کند. با این حال، این شاخه بسیار مهم، در فضای فرهنگی کشورمان مغفول مانده و توجه کمی به آن شده است. در ادامه، به شماری از مهم‌ترین شاخه‌های این حوزه اشاره می‌کنیم:

قضاوت اخلاقی (moral judgment)؛ پدیده‌ای است ذهنی که در آن آدمی به ارزش‌دآوری راجع به رفتارها، صفات و وضعیت‌های اختیاری خود یا دیگران می‌پردازد و آن‌ها را به خوبی، بدی، درستی، خطا، بایستگی، نبایستگی و وظیفه اخلاقی بودن متصف می‌کند.

استدلال اخلاقی (moral reasoning)؛ فرایند ذهنی دلیل آوردن بر درستی یک رفتار، صفت یا وضعیت اخلاقی در گام نخست و استدلال بر درستی یک اصل یا قاعده اخلاقی در گام دوم و استدلال بر اعتبار یک نظام اخلاقی در گام سوم را می‌توان استدلال اخلاقی نامید.

حساسیت اخلاقی (moral sensitivity)؛ تحرک ذهنی انسان در قبال درک خوبی و بدی و درستی و خطایی اخلاقی یک رفتار، صفت و وضعیت اخلاقی، توانایی آدمی در درک نتایج و پیامدهای تصمیمات اخلاقی و توانایی آدمی در درک مشکلات و معضلات اخلاقی را می‌توان حساسیت اخلاقی نامید.

مسئولیت اخلاقی (moral responsibility)؛ آدمی هنگامی که در مسیر زندگی خود با گزینه‌های خوب و بد مواجه می‌شود، بر اساس این پیش‌فرض که موجودی مختار است، باید پاسخ‌گوی انتخاب خود باشد و به پاداش یا مجازات این انتخاب تن بدهد (شهریاری، ۱۳۸۵، ص ۵۸). مسئولیت اخلاقی در حوزه مباحث روان‌شناسی اخلاق، پژوهشی است در این عرصه و تلاشی است در تبیین روان‌شناختی پاسخ‌گوبودن انسان در برابر انتخاب‌های خویش.

البته مسئولیت اخلاقی در حوزه‌های دیگر هم مورد توجه است که پژوهش جامع آن در اخلاق‌شناسی به انجام می‌رسد.

انگیزه اخلاقی (moral motivation)؛ آنچه آدمی را به سوی رفتار و فعل اخلاقی سوق می‌دهد و به اصطلاح، دلیل آدمی بر فعل اخلاقی قرار می‌گیرد. البته درباره انگیزه اخلاقی، عده‌ای معتقدند صرف وجود آگاهی از حقیقت اخلاقی برای فعل اخلاقی کافی است. عده‌ای نیز معتقدند جدای از علم و آگاهی از حقیقت اخلاقی، به اموری خارجی به منزله مکمل نیاز است تا آدمی به سوی عمل سوق داده شود. در این میان، گروه اول را «درون‌گرایان» و دسته دوم را «برون‌گرایان» معرفی می‌کنند (حسینی قلعه‌بهمن، ۱۳۸۳، ص ۱۶۶). این موضوع، در حوزه روان‌شناسی اخلاق مبحثی جذاب تلقی می‌گردد.

هویت اخلاقی (moral identity)؛ هویت اخلاقی، میزان هم‌سان شدن زندگی و اهداف زندگی انسان با اخلاق و اصول و ارزش‌های آن هویت اخلاقی انسان را شکل می‌دهد (Hardy, 2011, p. 212). امروزه این موضوع نیز از جذابیت فراوانی در میان پژوهشگران اخلاق و روان‌شناسی برخوردار است.

عمل اخلاقی (moral action)؛ تبیین اینکه چه رفتاری اخلاقی است و در انسان چه اتفاقاتی رخ می‌دهد که یک رفتار اخلاقی از او سر می‌زند، در حوزه مباحث عمل اخلاقی واقع می‌گردد.

رشد اخلاقی (moral development)؛ تمرکز آن بر ظهور، تغییر و درک اخلاق در آدمی از دوران جنینی تا بزرگسالی است. دیدگاه‌های مختلفی در این حوزه مطرح شده که در جای خود قابل بررسی و تبیین است.

تنوع اخلاقی (moral diversity)؛ به این معنا که هرکسی این قابلیت را دارد که نظام اخلاقی خاصی داشته باشد. به دیگر سخن، اخلاقیات در افراد مختلف دارای تنوع و گوناگونی است. این دیدگاه با دیدگاه نسبییت اخلاقی هم‌خوانی دارد.



شخصیت اخلاقی (moral character)؛ هنگامی که از اوصاف نیک و بد انسان‌ها سخن به میان می‌آید، راه برای ترسیم شخصیت اخلاقی آنان باز می‌شود. انسان، در درون خود مجموعه‌ای از صفات نیک و بد اخلاقی را دارد که برآیند این صفات شخصیت اخلاقی وی را تشکیل می‌دهند (Merritt, 2010, p. 355). امروزه بسیاری از روان‌شناسان اخلاق به بحث دربارهٔ این موضوع پرداخته‌اند.

احساس اخلاقی (moral emotion)؛ درکی است که انسان‌ها از رفتارها و اوصاف اختیاری و وضعیت‌های اختیاری پیدا می‌کنند و از درون، احساسی خوشایند یا ناخوشایند به این امور دارند. این احساس اخلاقی، آدمی را در قضاوت رفتارها و اوصاف و وضعیت‌ها یاری می‌رساند و در انگیزش اخلاقی نیز نقشی بس کلیدی دارد (Prinz, 2010, p. 11).

ضعف و شرارت اخلاقی (moral weakness)؛ در حقیقت، به علل نقض ارزش‌های اخلاقی از سوی کسانی که به آن ارزش‌ها علم دارند می‌پردازد. مباحث متنوعی در این حوزه وجود دارد که در جای خود قابل بررسی است. این موارد از مهم‌ترین شاخه‌های روان‌شناسی اخلاق محسوب می‌شوند. البته این رشته در اغلب موارد یادشده، عرصه‌ای تازه و مطالب مطرح‌شده در آن جدید است.

۶. تربیت اخلاقی

تربیت اخلاقی یعنی برانگیختن، فراهم ساختن و به کار بستن سازکارهای آموزشی و پرورشی برای دریافت نظام اخلاقی و شناختن و شناساندن اصول و قواعد اخلاقی از یک سو، و زمینه‌سازی برای ایجاد نگرش و روی آوردن به نظام اخلاقی مقبول و موجه، و پای‌بندی و عینیت‌دادن ارزش‌های اخلاقی با هدف رسیدن به سعادت و کمال جاودانه (ر.ک: بهشتی، ۱۳۸۱).



بر این اساس، تلاش برای رسیدن به سعادت و کمال جاودانه «تربیت اخلاقی» نام دارد. بر این اساس، در تربیت اخلاقی تلاش می‌شود با بهره‌گیری از دانش تعلیم و تربیت و یافته‌های تربیت، اهداف اخلاقی عینیت یابد. اندیشمندان مسلمان، در این زمینه بسیار تلاش کرده‌اند و اساساً تربیت اخلاقی را در راستای تکمیل اخلاق و دانش اخلاق در نظر گرفته‌اند. در این نوشتار برای رعایت اختصار از توضیح بیشتر در این باره خودداری می‌کنیم (برای مطالعه ر.ک: حسینی، ۱۳۹۸).

۷. جامعه‌شناسی اخلاق

جامعه‌شناسی اخلاق از یک سو، شاخه‌ای از جامعه‌شناسی و از سوی دیگر، شاخه‌ای از اخلاق است که در آن، تحقیقات جامعه‌شناختی راجع به ماهیت، علل و پیامدهای نگرش مردم دربارهٔ اخلاق به انجام می‌رسد.

در این حوزه، دربارهٔ موضوعات مهمی چون نقش تکامل و دیدگاه‌های تکاملی در شکل‌گیری بُعد اخلاقی انسان تحقیق می‌شود و به‌طور کلی، به راز جامعه‌شناختی گرایش انسان به اخلاق توجه می‌شود. همچنین، گاه یک جامعه‌شناس اخلاق به بررسی اخلاقی پدیده‌های اجتماعی می‌پردازد و در این باره قضاوت اخلاقی می‌کند؛ برای مثال، اخلاقی بودن یا نبودن جنگ را تحلیل می‌کند یا حکم اخلاقی خانواده‌های تک‌والدینی یا چندهمسری را پی می‌گیرد.

به هر حال، در این شاخه از یک سو، اخلاق به مثابهٔ یک پدیدهٔ اجتماعی تحلیل می‌شود و محقق دربارهٔ ظهور و نهادینه‌شدن آن به کاوش می‌پردازد و از سوی دیگر، پدیده‌های اجتماعی، ارزیابی اخلاقی می‌شوند (See: Hitlin & Others, 2010).

این عرصه از پژوهش‌های اخلاقی در ادبیات علمی ما کاملاً مهجور است و تحقیقات قابل توجهی در آن انجام نشده است.



نتیجه‌گیری

در آنچه گذشت، نویسنده تلاش کرد با در نظر گرفتن پژوهش‌های حوزه اخلاق، مهم‌ترین عرصه‌های پژوهشی در این حوزه را استخراج و ارائه کند. در این حوزه، هفت عرصه مهم ارائه شد که عبارت‌اند از: کلیات اخلاق، اخلاق هنجاری، فرااخلاق، اخلاق توصیفی، روان‌شناسی اخلاق، تربیت اخلاقی و جامعه‌شناسی اخلاق.

در این مقاله تلاش شد هر یک از عرصه‌های پژوهش‌های اخلاقی به اختصار بررسی و در ابواب مناسب جای‌گذاری شوند. در پایان، به دو نکته اشاره می‌کنیم؛ اول اینکه مطالب یادشده در ذیل هر عنوان، تمام موضوعات نیست و ممکن است مباحث بیشتری ذیل آن عنوان قرار گیرند. دوم اینکه در آینده ممکن است شاخه‌های بیشتری برای پژوهش‌های اخلاقی مطرح گردد؛ بنابراین، این هفت حوزه تمام شاخه‌های پژوهش‌های اخلاقی نیست.



کتاب‌نامه

۱. اتکینسون، آر. اف. (۱۳۷۰)، *درآمدی به فلسفه اخلاق*، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
۲. اسلامی، سید حسن (۱۳۸۳)، «نسبت اخلاق و سیاست، بررسی چهار نظریه»، *علوم سیاسی*، دوره ۷، ش ۲۶، ص ۱۴۷-۱۶۵.
۳. البستانی، بطرس (بی تا)، *محیط المحيط؛ قاموس مطول اللغة العربیة*، بیروت: مکتبه لبنان.
۴. بدوی، عبدالرحمن (۱۹۷۵م)، *الاخلاق النظریة*، کویت: وكالة المطبوعات.
۵. بکر، لارنس و شارلوت بکر (۱۳۷۸)، *تاریخ فلسفه اخلاق غرب*، ترجمه گروهی از مترجمان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۶. بهشتی، محمد (۱۳۸۱)، «تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی»، *معارف*، ش ۱۰، ص ۱۸-۲۰.
۷. پاکپور، علی (۱۳۹۱)، «شأن اخلاقی و بررسی دیدگاه‌های رایج»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال ۵، ش ۱۵، ص ۷-۳۰.
۸. جوادی، محسن (۱۳۷۵)، *مسئله باید و هست*، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۹. حسینی، سید مهدی (۱۳۹۸)، «بررسی اصول تربیت اخلاقی در علم اخلاق اسلامی»، *معرفت*، سال ۲۶، ش ۱ (پیاپی ۲۵۶)، ص ۱۱-۲۱.
۱۰. حسینی قلعه‌بهمن، سید اکبر (۱۳۸۳)، *واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه دوم قرن بیستم*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۱۱. _____ (۱۳۹۴)، «تحلیلی بر نظام اخلاقی در ادیان»، *معرفت ادیان*، سال هفتم، ش ۱ (پیاپی ۲۵)، ص ۱۱۳-۱۳۰.
۱۲. داروال، استیون و دیگران (۱۳۸۱)، *نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم*، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.



۱۳. روحانی نژاد، حسین (۱۳۸۳)، «نگرشی به مراحل تطور علم اخلاق اسلامی»، کتاب نقد، ش ۳۰، ص ۱۵۵-۱۷۰.
۱۴. رولین، برنارد (۱۳۹۳)، علم و اخلاق، ترجمه سعید عدالت‌جو، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. شانظری، جعفر و شیرین عبداللهی (۱۳۹۱)، «اخلاق دینی و اخلاق سکولار»، فصلنامه اخلاق، سال ۲، ش ۵، ص ۱۱-۳۰.
۱۶. شهریار، حمید (۱۳۸۵)، فلسفه اخلاق در تفکر غرب از دیدگاه السدیر مک / اینتایر، تهران: سمت.
۱۷. علیزاده، مهدی (۱۳۹۵)، «بررسی و تحلیل ضعف اخلاقی از منظر آگوستین و توماس آکوئیناس؛ با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی»، معرفت ادیان، سال ۷، ش ۲۷، ص ۶۵-۸۴.
۱۸. فرانکنا، ویلیام کی. (۱۳۷۶)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، تهران: طه.
۱۹. فیض کاشانی، محسن (۱۴۲۳ق)، الحقایق فی محاسن الاخلاق، قم: دارالکتاب الإسلامی.
۲۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، بیروت: مؤسسة الوفاء.
۲۱. مدنی، منصوره و سعیده سعیدی تهرانی (۱۳۹۵)، «ارائه، ارزیابی و مقایسه مدل‌های رایج تصمیم‌سازی اخلاقی در پزشکی»، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، دوره ۹، ش ۱، ص ۱۱-۲۵.
۲۲. مسکویه رازی، احمدبن علی (۱۴۲۶ق)، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، قم: طلعه نور.
۲۳. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۳)، فلسفه اخلاق، تهران: اطلاعات.





۲۴. _____ (۱۳۸۳)، *اخلاق در قرآن*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۵. _____ (۱۳۹۱)، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۶. مصباح، مجتبی (۱۳۹۰)، *بنیاد اخلاق*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، *مجموعه آثار؛ ج ۱۳ (جاودانگی اصول اخلاقی)*، تهران: صدرا.
۲۸. مک‌ناوتن، دیوید (۱۳۸۰)، *بصیرت اخلاقی*، ترجمه محمود فتحعلی، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۹. نوذری، محمود (۱۳۷۴)، «رابطه اخلاق و تربیت چگونه است؟»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۵، ص ۱۰۰-۱۰۴.
۳۰. نوری کوهبنانی، مجتبی (۱۳۹۸)، *شرایط و گستره عامل اخلاقی از منظر امامیه و آیین کاتولیک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۱. هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۲)، *مبانی فلسفه اخلاق*، تهران: ققنوس.
۳۲. وارنوک، مری (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق در قرن بیستم*، ترجمه و تحشیه ابولقاسم فنایی، قم: بوستان کتاب.
۳۳. ویلیامز، برنارد (۱۳۸۳)، *فلسفه اخلاق*، ترجمه و تعلیقات زهرا جلالی، تهران: معارف.
34. Hardy, Sam A. and Carlo, Gustavo (2011), "Moral Identity: What Is It, How Does It Develop, and Is It Linked to Moral Action?", in *Child Development Perspectives*, Vol. 5, No. 3, p. 212-218.

35. Hitlin, Steven; Vaisey, Stephen, (2010), *Handbook of the Sociology of Morality*, springer, US.
36. Howell, K. E. (2013), *Introduction to the Philosophy of Methodology*, London: Sage Publications.
37. Merritt, Maria W., Doris, John M. And Gilbertharman (2010), *Character*, in: *The Moral Psychology Handbook*, ed. John M. Doris and the Moral Psychology Research Group, Oxford: Oxford university press.
38. Prinz, Jesse J. And Nichols, Shaun (2010), *Moral Emotions*, in: *The Moral Psychology Handbook*, ed. John M. Doris and the Moral Psychology, Oxford: Oxford University Press.

References

1. Alizadeh, Mehdi (2016), "Study and analysis of moral weakness from the perspective of Augustine and Thomas Aquinas; Using Islamic teachings", *Knowledge of Religions*, Year 7, No. 27, p. 65-84.
2. Atkinson, R. F. (1991), *Introduction to Philosophy of Ethics*, Tehran: Book Translation and Publishing Center.
3. Badawi, Abdul Rahman (1975), *Theoretical Ethics*, Kuwait: Press Release.
4. Becker, Lawrence, Becker, Charlotte (1999), *History of Western Philosophy of Ethics*, translation by a group of translators, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
5. Beheshti, Mohammad (2002), "Education, ethics and moral education", *Maaref*, vol. 10, pp. 18-20.
6. al-Bustani, Betros, (n. d), *Mohit al-Mohit; Dictionary of the Arabic Language*, Beirut: Lebanese School.
7. Darwal, Steven, et al. (2002), *A Look at the Philosophy of Ethics in the Twentieth Century*, Tehran: Suhrawardi Research and Publishing Office.
8. Feiz Kashani, Mohsen (1423 AH), *al-Haqaiq fi Mahasin al-Akhlaq*, Qom: Dar al-Kitab al-Islami.
9. Frankna, William K. (1997), *Philosophy of Ethics*, translated by Hadi Sadeghi, Tehran: Taha.
10. Hardy Sam A. and Carlo Gustavo (2011), "Moral Identity: What Is It, How Does It Develop, and Is It Linked to Moral Action?", in *Child Development Perspectives*, Vol. 5, No. 3, p. 212–218.
11. Hitlin, Steven; Vaisey, Stephen; (2010), *Handbook of the Sociology of Morality*, Springer, US.
12. Holmes, Robert L. (2003), *Fundamentals of Philosophy of Ethics*, Tehran: Phoenix.
13. Hosseini, Seyyed Mehdi (1398), "Study of the principles of moral education in the science of Islamic ethics", *Knowledge*, Volume 26, Number 1 (256 consecutive), pp. 11-21.
14. Hosseini Ghaleh Bahman, Seyed Akbar (2004), *Moral Realism in the Second Half of the Twentieth Century*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
15. Hosseini Ghaleh Bahman, Seyed Akbar (2015), "Analysis of the moral system in religions", *Knowledge of religions*, seventh year, No. 1 (25), p. 113-130.
16. Howell, K. E. (2013), *Introduction to the Philosophy of Methodology*, London: Sage Publications.
17. Islami, Seyyed Hassan (2004), "The Relationship between Ethics and Politics, A Study of Four Theories", *Political Science*, Vo. 7, No. 26, p. 147-165.
18. Javadi, Mohsen (1996), *The issue of must and is*, Qom: Seminary Islamic Propaganda Office Publishing Center.
19. Madani, Mansoureh, Saeedi Tehrani, Saeedeh (2016), "Presentation, Evaluation and Comparison of Common Models of Ethical Decision Making in Medicine", *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, Vol. 9, No. 1, p. 11-25.
20. Majlisi, Mohammad Baqir (1403 AH), *Bihar al-Anwar*, Beirut: al-Wafa Foundation.
21. McNaughton, David (2001), *Moral Insight*, translated by Mahmoud Fathali, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
22. Merritt, Maria W., Doris, John M. And Gilbertharman (2010), *Character*, in: *The Moral Psychology Handbook*, ed. John M. Doris and the Moral Psychology Research Group, Oxford: Oxford university press.
23. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (1994), *Philosophy of Ethics*, Tehran: Information.
24. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2004), *Ethics in the Quran*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
25. Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2012), *Critique and review of moral schools*, research and writing: Ahmad Hossein Sharifi, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
26. Mesbah, Mojtaba (2011), *Ethics Foundation*, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
27. Motahari, Morteza (1998), *collection of works, vol. 13 (immortality of moral principles)*, Tehran: Sadra.
28. Muskowayh Razi, Ahmad Ibn Ali (1426 AH), *Tahzib al-Akhlaq va Tathir al-Araq*, Qom: Talieh Noor.
29. Nouri Kouhbanani, Mojtaba (2019), *Conditions and scope of the moral factor from the perspective of Imamism and Catholicism*, Master Thesis, Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute.
30. Nozari, Mahmoud (1374), "What is the relationship between ethics and education?", *Methodology of Humanities* "Winter 1374 - No. 5, p. 100-104.
31. Pakpour, Ali (2012), "Ethical Dignity and the Study of Common Views", *Ethics Research Journal*, Fifth Year, No. 15, p. 7-30.
32. Prinz, Jesse J. And Nichols, Shaun (2010), *Moral Emotions*, in: *The Moral Psychology Handbook*, ed. John M. Doris and the Moral Psychology, Oxford: Oxford University Press.

33. Rollin, Bernard (2014), *Science and Ethics*, translated by Saeed Adalatjoo, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
34. Rouhaninejad, Hossein (2004), "An Attitude Towards the Evolution of Islamic Ethics", *Book Review*, No. 30, p. 155-170.
35. Shahriari, Hamid (2006), *Philosophy of Ethics in Western Thought from the Viewpoint of Al-Sadir McIntyre*, Tehran: Samt.
36. Shanazari, Jafar & Abdollahi, Shirin (2012), "Religious Ethics and Secular Ethics", *Ethics Quarterly*, Second Year, Vol. 5, p. 11-30.
37. Warnock, Mary (2001), *Philosophy of Ethics in the Twentieth Century*, translated and annotated by Abolghasem Fanaei, Qom: Bustan Ketab.
38. Williams, Bernard (2004), *Philosophy of Ethics*, Translation and Comments by Zahra Jalali, Tehran: Maaref.